

## یک هجرت آینده‌ساز

من علی وطن دوست متولد ۱۳۷۲ در شهرستان خمام استان گیلان، در حال حاضر ساکن شهر اصفهان هستم. دوران دبیرستان خیلی ذوق رشته‌ی شیمی را داشتم؛ طوری که روی کتاب درسی شیمی ام کلمه مهندسی را اضافه کرده بودم و آرزو داشتم رشته مهندسی شیمی قبول بشوم. با قبول شدن در رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی، به اصفهان مهاجرت کردم. حین فعالیت‌های دانشجویی، سال ۹۲ با پژوهشکده شهید اعتباری دانشگاه صنعتی اصفهان آشنا شدم و شروع به همکاری با آنها کردم. در آن سالها که هنوز بحث استارت‌آپی مد نشده بود، این پژوهشکده دانشجویان را به صنعت وصل می‌کرد؛ بستری بود که دانشجویان می‌آمدند و حول یک ایده با هم تیم می‌شدند، پژوهش می‌کردند، پروژه می‌گرفتند و در نهایت، تعداد زیادی از آن تیم‌ها تبدیل به شرکت می‌شدند.

من با سیمت‌های مختلفی در این مجموعه کار کردم و کم‌کم با تعدادی از دوستان صمیمی شدم؛ آنها چند نفر از دانشجویانی بودند که چون اردوی جهادی زیاده‌رفته بودند و دغدغه‌ی مناطق مستضعف را داشتند، دور هم جمع شده بودند. من هم به آنها اضافه شدم با این تفاوت که تنها کسی در آن جمع بودم که اردوی جهادی نرفته بود. بچه‌ها در واقع تجربه زیسته‌ی خودشان در گروه‌های جهادی را آورده بودند تا اصلاح ایجاد کنند. ایده‌ای که ما

را دور هم جمع کرد، دغدغه‌ی محرومیت‌زدایی بود؛ ما می‌خواستیم گروه‌های جهادی یا گروه‌های مردمی را ارتقاء بدهیم تا این همه دغدغه‌ی مردمی، منجر به پیشرفت و آبادی مناطق مستضعف بشود. نظر ما این بود که مناطق مختلف، سرمایه‌ انسانی و سرمایه‌ اجتماعی کافی دارند ولی نتوانسته‌اند خودشان را بروز و ظهور بدهند و حضور تعداد زیاد گروه جهادی که هر سال بر تعداد آن هم افزوده می‌شود، گره‌چندانی را از مسائل مردم باز نکرده است.

## تأسیس یک شرکت فناور متفاوت

تیم شکل گرفت؛ دانشجویان رشته‌های مختلف برق، صنایع، شیمی و... دور هم نشستیم تا گره‌ای را باز کنیم. روی ایده‌ای که داشتیم، تیمی کار می‌کردیم و موردهای مختلفی را از سراسر جهان، مطالعه و بررسی می‌کردیم. آقای مهندس مسعود داداشی پرچم‌دار این کار شده بود. به روستاهای مختلف سفر می‌کردیم تا ایده‌ای که داشتیم را پخته‌تر کنیم و ببینیم چه کمکی از ما برای اصلاح این فرایند برمی‌آید. این تلاش‌ها کمک کرد تا ذهنیت ماکامل‌تر و ایده‌به‌م‌رور تکمیل‌تر شود. سرانجام سال ۹۵، ماه صورت رسمی اولین قراردادمان را بستیم؛ آن موقع هنوز تیم بودیم و شرکت تشکیل نداده بودیم. قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه اولین پروژه‌ی تیمی ما بود؛ چون دیدیم طرز فکرشان

”

در تجربه‌ی زیسته‌ی  
چهل ساله گذشته این  
مرد و بوم هم مسائل  
بسیاری بوده‌اند که با  
کمک و حتی پیشتازی  
مردم حل شده‌اند.  
اکنون هم بسیاری  
از مسائل ریشه‌ای  
موجود در کشور،  
به دلیل ساختار  
پیچیده اداری و  
طرح‌های کوتاه‌مدت  
و غیر عمیق‌نمایی،  
به راحتی و از طریق  
تصمیمات متمرکز  
حاکمیت قابل حل  
نیست و دولت‌ها  
برای اداره عمومی،  
نیازمند تعریف نقش  
و جایگاهی جدی برای  
مردم هستند

